

تاریخ: /۵/۱۱/۰۹/۵۹۵۶

شماره: پیوسته

پیوست:



دانشگاه پیام نور
بسمه تعالی

باسمه تعالی

"گواهی خاتمه طرح پژوهشی"



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

استان چهارمحال، بختیاری

گواهی می‌شود که طرح پژوهانه با عنوان «بررسی تطبیقی مهارت های زندگی در داستان های منتخب کودک ایران و جهان» با مشخصات ذیل در اسفند ۱۳۹۷ به اتمام رسیده است. نوع طرح بنیادی کاربردی توسعه‌ای به مبلغ ۷۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال که در جلسه شورای پژوهشی شماره ۹۷/۵/۱۲۶۲/۹/۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۱۲ استان چهارمحال و بختیاری به تصویب رسیده بود، بر اساس بند الف بخشنامه شماره ۹۷/۳۱۶۹۹ د و با استفاده از پژوهانه معتبر سالهای ۹۵،۹۶ خاتمه یافته است.

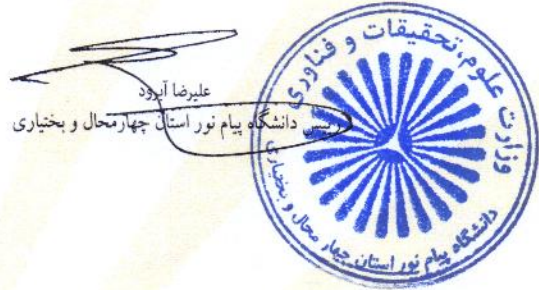
مشخصات مجری:

آقای دکتر حمید رضائی عضو هیات علمی مرکز شهرکرد

دستاوردهای طرح :

مقاله مستخرج از طرح:

" بررسی تطبیقی مهارت های زندگی در رمانهای نوجوانان اریش کستر و فرهاد حسن زاده "



علیرضا آبرود
دانشگاه پیام نور استان چهارمحال و بختیاری

شهرکرد، خیابان آیت الله کاشانی،
بالتر از چهارراه دولت، خیابان وارث

رونوشت:

کارشناس اداره پژوهش و کارآفرینی استان سرکارخانم کریمی فارسانی

تلفن: ۳۲۲۶۱۶۸۵

۳۲۲۶۳۴۸۵

دورنگار: ۳۲۲۲۸۶۱۳

صندوق پستی: ۸۸۱۵۵-۶۷۷

Website: pnuchb.ac.ir

دانشگاه پیام نور استان چهارمحال و بختیاری
 شماره: ۹۷/۶/۰۲۹۸۶/۰۹/۷
 تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۷
 شماره پیگیری:

فرم شماره ۳ الف

قرارداد انجام طرح پژوهشی در قالب پژوهانه استان

این قرارداد بین دانشگاه پیام نور استان چهارمحال و بختیاری به نمایندگی رئیس استان دکتر علی رضا ابراهیم به نشانی: و شماره تماس ۳۲۲۶۳۴۸۵ که از این پس در این قرارداد «دانشگاه» نامیده می شود از یک طرف و آقای محمد رضا فیروززنگنه شماره شناسنامه ۲۵۵۲۸ صادره از سمنان با مرتبه دانشگاهی دانشیار شماره حساب ۰۱۰۹۹۰۱۱۷۸۰۰۴ بانک صارت شعبه ارضا کد در دانشگاه پیام نور به نشانی محل کار پیام نور مرکز شهرکرد تلفن محل کار نشانی سمنان دارت تلفن همراه ۰۹۱۰۲۰۵۰۲۰۸۹۶۶ که از این پس در این قرارداد «مجری طرح» نامیده می شود از طرف دیگر به شرح زیر منعقد می شود:

ماده ۱- موضوع قرارداد:

اجرای طرح پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی مهارت های زندگی در استانها منتخب نود و یک استان» که در جلسه شماره ۱۱۲۴۹۸ مورخ ۹۷/۳/۱۱ شورای پژوهشی دانشگاه پیام نور استان چهارمحال و بختیاری و در قالب طرح پژوهانه به تصویب رسیده است.

تبصره ۱: این طرح منحصراً توسط مجری و به تنهایی انجام می شود.

ماده ۲- مدت قرارداد:

مدت قرارداد از تاریخ انعقاد قرارداد به مدت ۸ ماه است.

تبصره ۲- حداکثر زمان اجرای طرح پژوهشی پس از تصویب شورای پژوهشی به مدت ۲ سال تعیین می گردد.

ماده ۳- مبلغ قرارداد و نحوه پرداخت آن:

مبلغ کل قرارداد به عدد ۷۴۰۰۰۰ ریال به حروف هفتاد و چهار هزار و چهارصد ریال است که از این مبلغ به عدد ۲۰۰۰۰۰ ریال به حروف دو میلیون و صدهزار ریال به عنوان هزینه م واد مص رفی و غیر مصرفی مبلغ به عدد ۷۱۰۰۰۰ ریال به حروف هفتاد و یک هزار و صدهزار ریال هزینه جاری می باشد و مطابق شرایط زیر قابل پرداخت است:

۱-۳- پرداخت اول به میزان ۲۰٪ مبلغ کل قرارداد برای اعضای هیات علمی رسمی و ۱۰٪ مبلغ کل قرارداد برای سایر اعضای علمی قراردادی و پیمانی

۲-۳- باقی مانده پس از ارائه گزارش نهائی طرح و اسناد مورد نیاز شامل یک نسخه گزارش صحافی شده طرح، فایل Word و PDF، مقاله چاپ شده یا گواهی پذیرش که در صفحه حقوقی مجله در حال چاپ و یا In press باشد و اسناد مثبت مالی.

تبصره ۳- هرگونه پیش پرداخت مشروط به ثبت مشخصات طرح در سامانه گلستان پژوهشی است.

تبصره ۴- حداقل امتیازات مورد نیاز از مقالات چاپ شده برای تسویه حساب طرح پژوهشی بر اساس ضوابط مندرج در آیین نامه پژوهانه اعضای علمی دانشگاه پیام نور می باشد.

تبصره ۵- کلیه پرداختها پس از کسر کسور قانونی و تأیید ناظر قرارداد به حساب مجری طرح واریز می گردد.

ماده ۴- ناظر قرارداد:

نظارت جهت پرداخت مبالغ قرارداد مجری طرح در استانها بر عهده رئیس آن استان می باشد.

ماده ۵- تعهدات مجری طرح:

۱-۵- مجری طرح متعهد می شود کلیه مراحل اجرای طرح را در چارچوب فرم پیشنهاد طرح پژوهشی (شرح پیوست) و ضوابط مقرر در آیین نامه پژوهانه به پایان برساند و گزارش آن را به رئیس استان محل تصویب طرح ارائه دهد.

۲-۵- مجری طرح تعهد می کند که مضمون قانون منع مداخله وزراء، نمایندگان و کارکنان دولت در معاملات دولتی نباشد.

۳-۵- مجری طرح مجاز به واگذاری کلی و جزئی موضوع قرارداد و تکلیف خود تحت عنوان به غیر نمی باشد.

معاون پژوهش و فناوری دانشگاه

مدیرکل دفتر تحقیقات و خدمات پژوهشی و فناوری



مدیرکل دفتر تحقیقات و خدمات پژوهشی و فناوری دانشگاه

ماده ۶- سایر شرایط:

۶-۱- انتشار نتایج حاصله از طرح به صورت مقاله، کتاب و غیره بایستی با هماهنگی شورای پژوهشی محل تصویب طرح صورت گیرد. در این حالت لازم است جمله (این تحقیق با استفاده از اعتبارات دانشگاه پیام نور انجام شده است) در داخل مقاله یا کتاب و غیره آورده شود.

۶-۲- کلیه اموال و تجهیزات غیر مصرفی و تأسیساتی که از محل اعتبارات این طرح خریداری یا ایجاد می شود متعلق به دانشگاه بوده و باید بر اساس ضوابط مندرج در آیین نامه پژوهانه اعضای علمی دانشگاه پیام نور اقدام شود.

ماده ۷- تضمین قرارداد:

مجری طرح در صورتیکه عضو هیأت علمی رسمی باشد، به موجب این قرارداد به دانشگاه وکالت می دهد که پس از تخمین میزان ضرر و زیان معادل آن را از حقوق و مزایای قانونی وی کسر کند. همچنین در صورتیکه مجری طرح از اعضای هیأت علمی (پیمانی، نیمه وقت، بازنشسته یا دستیار آموزشی) باشد علاوه بر وکالت به دانشگاه جهت اخذ ضرر و زیان از محل حقوق و مزایای قانونی وی، متعهد می گردد چک معادل کل مبلغ قرارداد به مدیر مالی محل تصویب طرح ارائه نماید.

ماده ۸- حق مالکیت:

کلیه حقوق مادی و معنوی متعلق به دانشگاه پیام نور است و مجری طرح هیچ حقی بر این موارد ندارد.

ماده ۹- جبران خسارت:

در صورتی که مجری طرح در اجرای مفاد قرارداد از انجام تعهد خود امتناع کند و یا در حفظ و نگهداری و اعاده بموقع تجهیزات و لوازمی که به طور امانت در اختیار او قرار گرفته است، قصور ورزد و در نتیجه خساراتی به دانشگاه وارد شود، مجری طرح به موجب این قرارداد به دانشگاه وکالت می دهد که پس از تخمین میزان ضرر وارده معادل آن را از محل حقوق و مزایای قانونی وی و یا چک بانکی ارائه شده کسر نماید.

تبصره ۶- تشخیص عدم اجرای تعهدات مجری طرح و تخمین میزان ضرر و زیان به عهده شورای پژوهشی تصویب کننده طرح خواهد بود.

ماده ۱۰- فسخ قرارداد:

۱۰-۱- هرگاه مجری طرح در اجرای طرح پژوهشی خود قصور یا تعلل نماید، دانشگاه می تواند قرارداد را با ابلاغ کتبی یکطرفه فسخ کند.

۱۰-۲- در صورتی که دانشگاه بر فسخ قرارداد تصمیم گیرد، مجری طرح از تاریخ ابلاغ مکلف است از انجام یا تعهد هرگونه هزینه در رابطه با اجرای قرارداد نیز خودداری نماید و حداکثر ظرف مدت سه ماه با دانشگاه تسویه حساب و تکلیف وجوه و اموال و نتایج نمونه های تحقیقاتی را معین کند.

۱۰-۳- در صورت فسخ قرارداد در هر مرحله ای از پیشرفت طرح اعم از اینکه به نتیجه نهایی رسیده یا نرسیده باشد، مجری طرح مکلف است کلیه نتایج حاصل از تحقیقات موضوع قرارداد را به دانشگاه تسلیم کند.

ماده ۱۱- حل اختلاف:

چنانچه اختلافی بین طرفین این قرارداد پیش آمد اعم از اینکه مربوط به اجرای مفاد قرارداد یا تفسیر هر یک از مواد آن باشد، موضوع اختلاف با حضور نمایندگان طرفین در دفتر حقوقی دانشگاه بررسی خواهد گردید و در صورت عدم توافق از طریق مراجع به محاکم و مراجع قضایی صالحه پیگیری خواهد شد.

ماده ۱۲- نسخ قرارداد:

این قرارداد در ۱۲ ماده، ۶ تبصره و در چهار نسخه که هر چهار نسخه حکم واحد را دارد، امضا و مبادله گردید.



مجری طرح



دانشگاه پیام نور استان مازندران و گیلان

طرح پژوهشی در قالب گرانت

عنوان

بررسی تطبیقی مهارت‌های زندگی در رمان‌های (نوجوانان)

اریش کستنر و فرهاد حسن زاده

مجری

دکتر حمید رضایی

همکار

دکتر سجاد نجفی

۱۳۹۷

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	۱- چکیده
۵	۲- مقدمه
۹	۳- پیشینه پژوهش
۱۱	۴- روش تحقیق
۱۲	۵- بررسی تطبیقی مهارت های زندگی
۱۵	۶- مهارت حل مساله
۱۸	۷- مهارت تفکر خلاق
۲۰	۸- مهارت همدلی
۲۳	۹- مهارت تفکر انتقادی
۲۶	۱۰- مهارت خودآگاهی

۲۸

۱۱- مهارت فردی

۳۰

۱۲- تحلیل داده ها

۳۴

۱۳- منابع

چکیده

مهارت‌های زندگی یکی از راهبردهای مهم و ضروری است که از طریق افزایش توانایی کودکان و نوجوانان، ظرفیت آنان را در جهت مقابله با چالش‌ها و کشمکش‌های زندگی ارتقا می‌دهد و فرد را در برابر مشکلات ایمن می‌سازد. ژانر ادبی رمان، قالب مناسبی برای انتقال مهارت‌ها و تقویت آنها در کودکان و نوجوانان است. هدف این پژوهش بررسی مهارت‌های زندگی (همدلی، تصمیم‌گیری، حل مساله، خودآگاهی، مهارت فردی و تفکرخلاق) در رمان‌های فرهاد حسن‌زاده و اریش کستنر (**Erich Kastner**) است. روش پژوهش به صورت تحلیل کمی و کیفی محتوای آثار است. نتایج پژوهش نشان داد که مهارت همدلی، نسبت به دیگر مهارت‌ها، کاربرد بیشتری در آثار حسن‌زاده و کستنر دارند. مهارت‌هایی نظیر، تفکر انتقادی، تفکر خلاق و مهارت حل مساله بسامد کمتری داشته‌اند. نکته دیگر اینکه مهارت‌های زندگی در آثار فرهاد حسن‌زاده در مقایسه با اریش کستنر، بسامد بیشتری دارند.

واژگان کلیدی: مهارت‌های زندگی، رمان، اریش کستنر، فرهاد حسن‌زاده.

۱. مقدمه

کودکان و نوجوانان برای ورود به اجتماع و زندگی به آموختن برخی از مهارت‌ها نیاز ضروری دارند. مهارت‌هایی که نوجوانان را برای رویارویی با چالش‌ها و مشکلات زندگی آماده می‌کند. سازمان بهداشت جهانی، مهارت‌های زندگی را «توانایی انجام رفتار سازگارانه و مثبت می‌داند، به گونه‌ای که فرد بتواند با چالش‌ها و ضرورت‌های زندگی روزمره کنار آید» (طارمیان، ۱۳۸۳: ۱۶). برنامه مهارت‌های زندگی یکی از راهبردهای متمرکز بر فرد است که از طریق افزایش توانایی مقابله‌ای افراد، ظرفیت آنان را در جهت مقابله با چالش‌ها، کشمکش‌ها و ناملازمات زندگی روزمره ارتقا دهد و فرد را در برابر مشکلات ایمن سازد. بر این اساس، مهارت‌های زندگی، (مهارت تصمیم‌گیری، حل مساله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، خود آگاهی، برقراری ارتباط، مدیریت خشم و...) عبارت از تدابیری است که ما در رویایی با هر اتفاقی به کار می‌بندیم تا مناسب‌ترین برخورد را داشته باشیم و بالاترین بهره‌وری را به دست آوریم. پیت من (pittman) مهارت‌های زندگی را به عنوان توانایی‌ها، دانش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی تعریف کرده که برای شادمانی و موفقیت در زندگی آموخته

می شود. این مهارت‌ها انسان را قادر می‌سازد تا با موقعیت‌های زندگی سازگاری یابد و به آنها تسلط داشته باشد و از طریق رشد این مهارت‌ها، افراد یاد می‌گیرند که به راحتی با دیگران زندگی کنند، احساس خود را با امنیت خاطر بیان کنند» (کاوه، ۱۳۹۱: ۳۲). به نقل از پیت من، (۱۹۹۷). مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اساسی هستند که فرد را قادر می‌سازد مسئولیت امور زندگی را برعهده بگیرد و خود در پی حل مسائل و مشکلات زندگی باشد. «در واقع مهارت‌های زندگی، مهارت‌ها و توانمندی‌هایی هستند که فرد را در مقابله موثر و پرداختن به کشمکش‌ها و موقعیت‌های دشوار زندگی یاری می‌دهد و سلامت روانی او را تامین می‌کند» (همان: ۳۲). یکی از راه‌های مهم و مناسب برای آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان، ژانر داستان و رمان است. ادبیات آموزندگی و سازندگی را در درون خود دارد و هیجان و جوشش درونی انسان، آفریننده آن است. «خواندن داستان فعالیت ذهنی است که به تجربه آدمی معنا می‌بخشد. بی‌تردید خواننده با خواندن داستان و نقد آنها در عین اینکه از ابتذال زندگی روزانه فراغت می‌یابد، معیارهایی بدست می‌آورد که می‌تواند تجربه‌های زندگی را با آنها محک بزند. جهان‌هایی تازه کشف می‌کند و به آگاهی می‌رسد. هنگامی که زندگی جالب و جذاب است، داستان‌ها می‌توانند احساس ما را نسبت به آن زیادتر کند» (گلشیری، ۱۳۸۰: ۴۵).

داستان‌ها علاوه بر این که در زمینه‌ی عاطفی نیرومند هستند، چالش‌های بالقوه‌ای را نیز برای پردازش شناختی فراهم می‌کنند. «داستان می‌تواند در عمل برای کودک پیچیده‌ترین موضوع فکری باشد چرا که عناصر، موضوع‌ها، و روابط مختلفی است که در روند خاص رویدادها آشکار می‌شوند و کودک را با خود همراه می‌کند» (فیشر، ۱۳۸۵: ۱۳۷). کودک و نوجوان از طریق شخصیت‌های داستان مهارت‌ها را در وجود خویش نهادینه می‌-

کند. «مخاطب کودک و نوجوان به عنوان خواننده‌ی داستان، در طول شنیدن یا خواندن داستان به ناگزیر از دیدگاه‌ها و نقطه نظرات قهرمان (یا قهرمانان) و ضد قهرمان (یا ضد قهرمانان) داستان عبور می‌کند، با عواطف و نگرش آن‌ها سهیم می‌گردد و سرانجام با پیروزی - یا احتمالاً شکست - قهرمان داستان، همراه با وی طعم پیروزی یا شکست را می‌چشد» (خسرو نژاد، ۱۳۸۲: ۱۹۲-۱۹۳).

فرآیند ساخت داستان یک فرایند طبیعی است که به افراد و مخاطبان کمک می‌کند خودشان و تجاربشان را بفهمند. «در این فرایند، فرد رویدادها را در یک الگوی به هم پیوسته همراه با احساسات و افکار، سازماندهی می‌کند و به این ترتیب مخاطب احساس می‌کند می‌تواند زندگی و مسایل و مشکلات آن را پیش بینی و کنترل کند» (مک‌کی، ۱۳۸۲: ۸۸). داستان به کودک فرصت می‌دهد که امیال و محتویات ناخودآگاه خود را تعبیر نماید و محیط زندگی خود را بشناسد که خود از مهم‌ترین اهداف آموزش و پرورش است. ادبیات برخاسته و الهام گرفته از موقعیت‌های واقعی زندگی می‌تواند به قلمرو عواطف بچه‌ها نفوذ کند، بچه‌ها را با خود به فضای آزاد صمیمی و به دور از محدودیت ببرد و به تفکر وادارد تا بچه‌ها در لا به لای زندگی، شخصیت‌های آشنا و واقعیت‌های مشابه زندگی خود، راه‌های مناسب مقابله با مشکلات پیرامون خود را کشف کند.

هدف پژوهش حاضر بررسی مهارت‌های زندگی در رمان‌های فرهاد حسن‌زاده و ارایش کاستنر (Kastner Erich) دو نویسنده ادبیات کودک ایران و آلمان است و پاسخ به این پرسش‌ها که کدام مهارت کاربرد و بسامد بیشتری در آثار دو نویسنده داشته است؟ و کاربرد

کدام مهارت‌ها نقش مهمی در زندگی کودک ایفا می‌کند؟ برای پاسخ با این پرسش‌ها، رمان‌های برجسته و مهم دو نویسنده برای این بررسی انتخاب شدند.

اریش کستنر شاعر، روزنامه نگار، نمایشنامه نویس و نویسنده‌ی کتاب‌های کودکان و از بنیان‌گذاران دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان و کتابخانه‌ی بین‌المللی کودکان مونیخ است. کستنر در سال ۱۹۷۵ مدال هانس کریستین اندرسن را دریافت کرد و داستان *امیل* و *کارآگاهان* او از آثار ماندگار ادبیات کودکان است. در سال ۱۹۲۸ نخستین مجموعه سروده‌هایش را منتشر کرد. در پاییز همان سال شناخته‌شده‌ترین داستانش برای کودکان به نام *امیل* و *کارآگاهان* را منتشر کرد که دو میلیون نسخه از آن در آلمان فروخته شد. این داستان تاکنون به پنجاه و نه زبان ترجمه شده است. از بسیاری از داستان‌های اریش کستنر فیلم ساخته شده است. او در سال ۱۹۶۰ به سبب مجموعه آثاری که برای کودکان و نوجوانان آفریده است، موفق به دریافت مدال هانس کریستین اندرسن شد. از نوشته‌های او کتاب *فلغلی و آنتوان*، *خواهران غریب*، *کلاس پرنده*، *امیل کارآگاه می‌شود*، *امیل و سه پسر دوقلو*، *وقتی که من بچه بودم*، *دایی من فرانس*، *هر چیزی در دسرهای خودش را دارد* و *سی و پنجم ماه می به فارسی برگردانده شده است* (ر.ک کستنر، ۱۳۸۴: مقدمه).

فرهاد حسن‌زاده، فروردین ماه ۱۳۴۱ در آبادان به دنیا آمد. نویسندگی را در دوران نوجوانی با نگارش نمایشنامه و داستان‌های کوتاه شروع کرد. آثار فرهاد حسن‌زاده بسیار متنوع هستند. او برای تمام گروه‌های سنی کتاب نوشته و در گونه‌های مختلف ادبی مانند رمان، داستان کوتاه، شعر، داستان تصویری، بازآفرینی متون کهن، زندگی‌نامه و طنز دست به تألیف زده و تاکنون نزدیک به صد اثر از او به چاپ رسیده است. کتاب‌های فرهاد

حسن‌زاده از جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی جوایز بسیاری گرفته که می‌توان به مهمترین‌شان اشاره کرد: جایزه ماه طلایی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، تقدیر شده در سه دوره کتاب سال ایران، برگزیده چند دوره جشنواره کتاب کانون پرورش فکری، برنده تندیس نقره‌ای از جشنواره لاک‌پشت پرنده. همچنین در عرصه جهانی می‌توان به دریافت لوح سپاس جایزه «هانس کریستین اندرسن» در سال ۲۰۱۸ و همچنین دیپلم افتخار برای کتاب «زیبا صدایم کن» از سوی IBBY اشاره کرد. فرهاد حسن‌زاده تا کنون سه بار نامزد دریافت جایزه «آسترید لینگرن» شده که یکی از معتبرترین جایزه‌های ادبیات کودک جهان است (ر.ک صفایی، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

آنچه اهمیت این پژوهش را ضروری می‌سازد این است که مهارت‌های زندگی به چه میزان و بسامدی در آثار نویسندگان کودکان و نوجوانان استفاده شده‌اند، اهمیت کاربرد این مهارت‌ها در رمان کودکان و نوجوانان چیست؟ و به چه مهارت‌هایی باید توجه بیشتری نشان داد؟

۲. پیشینه پژوهش

درباره مهارت‌های زندگی در رمان‌های نوجوان ارایش کستور و فرهاد حسن‌زاده پژوهشی صورت نگرفته، اما درباره مهارت‌های زندگی و بررسی آن در برخی از آثار اشاره می‌شود:

کریمی، ناهید و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله بررسی تاثیر مهارت‌های زندگی به روش قصه-گویی بر مولفه‌های خلاقیت دانش آموزان ابتدایی به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت-های زندگی به روش قصه‌گویی موجب افزایش خلاقیت دانش آموزان ابتدایی می‌شود.

حسام پور، سعید و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله نقد و تحلیل تطبیقی بازتاب معنای زندگی در دو رمان سه نفر در برف ایش کستتر و سی مرد و سی مرغ اثر اکبر صحرائی به بازتاب معنای زندگی در آثار ذکر شده پرداختند.

امیدی نیا، مریم و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در رمان‌های برگزیده نوجوان فارسی دهه ۸۰ براساس فهرست پیتر فاسیونه، به کنش‌ها، عملکردها و گفت و گوهای شخصیت‌های داستان بر اساس شش مهارت تفکر انتقادی فاسیونه پرداخته شده است.

شاه احمدی، محمدرضا (۱۳۹۰) به ضرورت و نقش آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان در رسانه، پرداخته است. با توجه به جایگاه عظیم رسانه ملی در امر آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان، سعی شده در این مقاله نقش رسانه ملی در این خصوص مورد واکاوی قرار گیرد.

صدری‌زاده نگین (۱۳۹۰) به بررسی آموزش مهارت‌های زندگی در داستان کودک پرداخته است. نویسنده در این اثر به مقوله مهارت‌های زندگی در داستان‌های کودک براساس عناصر و گونه‌های داستانی پرداخته است. نگارنده روش «برنامه‌ی فلسفه برای کودکان» را پیشنهاد می‌دهد و در ضمن معرفی این برنامه، نشان می‌دهد که چگونه برنامه‌ی فلسفه برای کودکان در آموزش و فراگیری مهارت‌های زندگی موثر واقع می‌شود.

کوکبی، مرتضی، عباس حری و لیلا مکتبی فرد (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی مهارت تفکر انتقادی در داستان‌های کودک و نوجوان» نشان دادند که داستان ماهی سیاه کوچولو بیشترین بسامد را از نظر تفکر انتقادی به خود اختصاص داده است.

مکتبی فرد، لیلا (۱۳۸۹) به بررسی تناسب محتوای داستان‌های تألیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان گروه سنی «ج» با مهارت‌ها و مؤلفه‌های تفکر انتقادی پرداخته است. نتایج نشان داد که در داستان‌های تألیفی چندان از مؤلفه‌های تفکر انتقادی استفاده نشده است.

شریفیان (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی کتاب‌های زبان آموزی چهارم و پنجم ابتدایی از نظر میزان ارتباط آنها با مهارت‌های زندگی پرداخته که نتایج آن نشان می‌دهد که از میان مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اجتماعی بیشترین میزان و مهارت مقابله با استرس کمترین میزان را داشته است.

فاتح (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی از نظر شناخت میزان فراوانی کاربرد مهارت‌های زندگی پرداخته است. نتایج نشان داد که محتوای این کتاب‌ها ارتباط چندان با مهارت‌های زندگی ندارد.

۳. روش تحقیق

روش پژوهش به صورت تحلیل کمی و کیفی محتوای آثار نویسندگان است. در روش تحلیل کمی محتوای آثار، به شمارش فراوانی حضور یک واحد تحلیلی مانند یک واژه یا مضمون متن توجه می‌شود و در بررسی کیفی به تحلیل داده‌ها و آزمون‌ها برای کشف معنا پرداخته می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۸۷). مهم‌ترین آثار دو نویسنده کودک ایران و آلمان (رمان نوجوان) از نظر مهارت‌های زندگی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. فراوانی مهارت‌های زندگی در رمان‌ها بررسی شد. (تحلیل کمی) سپس به تحلیل کیفی کاربرد مهارت‌ها پرداخته شد. دلیل بررسی تطبیقی با وجود دو زبان و فرهنگ متفاوت، تحلیل

مهارت‌های زندگی در آثار است که یک مساله مشترک و جهانی در زندگی نوجوانان است و دیگر اینکه آثار ایش کستتر به زبان فارسی ترجمه شده و در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. این مقایسه کمک می‌کند تا آثاری که نوجوانان را بهتر و بیشتر در مسایل زندگی یاری می‌دهد، معرفی شوند. دلیل انتخاب رمان‌ها (کلاس پرنده، خواهران غریب از کستتر و هستی و زیبا صدایم کن اثر حسن‌زاده) یکی شهرت نویسندگان در بین مخاطبان، تیراژ زیاد آثار، برجسته بودن رمان‌های دو نویسنده و کاربرد مولفه‌های مهارت‌های زندگی در آثار آنها بود.

۴. بررسی تطبیقی مهارت‌های زندگی در آثار نویسندگان

۴-۱. مهارت تصمیم‌گیری: مهارت تصمیم‌گیری نقش مهمی در زندگی کودکان و نوجوانان دارد. «تصمیم‌گیری؛ انتخاب یک راه از میان راه‌های گوناگون زندگی است» (طارمیان، ۱۳۸۰: ۶۶). تصمیم‌گیری یک فرآیند ذهنی است که طی آن یک مسیر را از میان چندین مسیر انتخاب می‌کنیم. در واقع تصمیم گرفتن یعنی توان تشخیص بهترین راه از میان راه‌های متعددی است که پیش روی انسان قرار دارد. هرچه تصمیم‌گیری مناسب و درست باشد، بهداشت روانی فرد و جامعه را تامین کرده و به ایجاد یک زندگی خوب و موفق کمک می‌کند» (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۰). تصمیم‌گیری براساس مولفه‌های ارزیابی (جمع

آوری اطلاعات برای تصمیم گیری)، تحلیل علت تصمیم گیری، نقشه برای انتخاب بهترین راه حل و به کار گیری است که شخص در این مرحله تصمیماتی که گرفته را به کار می‌گیرد. در رمان‌های ارایش کستنر مساله تصمیم‌گیری به خوبی دیده می‌شود. مهم‌ترین تصمیم در رمان «خواهران غریب» به وسیله دو شخصیت «لوت» و «لویزه» صورت می‌گیرد. این دو شخصیت به علت جدایی پدر و مادر سال‌ها از هم دور بودند. حال که همدیگر را پیدا کردند، با هم صحبت کردند (مرحله ارزیابی) تصمیم گرفتند، به گونه‌ای که والدین شان متوجه نشوند، جای خود را عوض کنند. (به کارگیری) «دو قلوها خیال ندارند به پدر و مادرشان بگویند که همه چیز را می‌دانند، چون نمی‌خواهند کاری کنند که آنها از روی اجبار تصمیم بگیرند؛ اما هیچ‌کدام نمی‌توانند به خانه‌هایشان برگردند و همه چیز را فراموش کنند. دو قلوها می‌خواهند لباس‌ها، آرایش مو و همه چیزشان را با یکدیگر عوض کنند» (کستنر، ۱۳۹۴: ۳۵). لویزه می‌خواهد با موهای بافته و مودب خود را به جای خواهرش لوت جا بزند و پیش مادرش برود. آنها فکر می‌کنند با این تصمیم پدر و مادرشان دوباره باهم زندگی می‌کنند. مخاطب کودک از طریق رفتار و کردار شخصیت لوت و لویزه، یاد می‌گیرد که او هم می‌تواند برای زندگی خود تصمیم بگیرد، بدون آنکه از بزرگسالان کمک بخواهد.

در رمان «کلاس پرنده» شخصیت «ئولی» برای نشان دادن جرات و شجاعت خود، تصمیم مهمی می‌گیرد؛ از اینکه دیگران ترسو خطابش کنند، از خودش متنفر است. تصمیم می‌گیرد خود را از نردبام کنار میله بارفیکس پایین پرت کند. «در کنار میله بارفیکس، نردبام بلندی دیده می‌شد. ئولی به نردبام نزدیک شد. از پله‌های یخ زده آن بالا رفت. روی پله ماقبل آخر کمی مکث کرد، برگشت تا بچه‌ها را نگاه کند. کمی لغزید. گفت: کاری که می‌خواهم بکنم

این است: چتر را باز می‌کنم و مانند چتربازان به پایین می‌پریم..» (کستنر، ۱۳۸۴: ۱۱۸). رفتار و حرکت «تولی» برای مطرح کردن خود در میان همسالان، می‌تواند برای مخاطب داستان چالش برانگیز باشد. اگر چه رفتار شخصیت رمان، خطرناک است و مخاطب هم با او موافق نیست، کودکان و نوجوانان، بدون دخالت دیگران و در همذات پنداری با شخصیت داستان، نسبت به تصمیم شخصیت داستان واکنش نشان می‌دهند.

مهارت تصمیم‌گیری در رمان‌های حسن‌زاده نیز کاربرد قابل توجهی دارد. در رمان «زیبا صدایم کن» این مساله به خوبی دیده می‌شود. «زیبا» شخصیت رمان برای دیدن پدرش باید تصمیم مهمی می‌گرفت. «باید جیم می‌شدم. تنها راهش همین بود. اگر می‌گفتم مریضم و نمی‌توانم بیایم مدرسه، باید تو خوابگاه می‌ماندم. اگر می‌رفتم مدرسه و آن‌جا می‌گفتم مریضم، باید صبر می‌کردم تا مرا ببرند دکتر، بهترین کار این بود که تو راه خوابگاه و مدرسه همه را می‌پیچاندم..» (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۷). پدر زیبا تیمارستان است، زیبا برای ملاقات با او تصمیم گرفت بین راه به بهانه مریضی از دانش‌آموزان جدا شود. اگرچه این تصمیم خلاف مقررات آموزشی است و ممکن است برای مخاطب بدآموزی به همراه داشته باشد؛ اما کودک و نوجوان می‌تواند با مقایسه و سنجش رفتارهای نادرست و خطرپذیر شخصیت زیبا، تصمیم درست را انتخاب کند. شاید مهم‌ترین تصمیم زیبا در زندگی‌اش، همکاری با پلیس و مسئولان آسایشگاه بود. او علی‌رغم میل باطنی‌اش، پدرش را تحویل آسایشگاه می‌دهد. «ببین دخترجون! تو باید با ما همکاری کنی. آگه باباتو دوس داری! وگر نه کار دست خودش می‌ده. صدای پارک می‌اد. تو پارکین درسته؟ زبانم نمی‌چرخید. خانم آژیر: یه کلمه بگو کجایی؟ یک کلمه گفتم: نیاوران و گوشه را قایم کردم» (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۲-۱۵۳). تصمیم زیبا اگر چه در ظاهر ناراحت‌کننده است و باعث جدایی او از پدرش شده، اما در

نهایت بهترین تصمیم است. کودکان و نوجوانان نیز با تاثیرپذیری از رفتار و کردار شخصیت داستان، می‌توانند در مواقع ضروری و دشوار تصمیم مهم و درستی را انتخاب کنند. کودکان بیشتر از هر یک از ما، شخصیت‌های داستانی و رخداد‌های داستانی را جدی می‌گیرند. آنها آموزه‌های داستان‌ها را با زندگی خود مقایسه می‌کنند. «داستان‌ها نگرش کودک را نسبت به زندگی و مشکلات گسترش می‌دهد. در واقع کودک با کمک داستان و همراهی و همدلی با شخصیت داستان، می‌آموزد که چگونه رفتار کند و با رفتاری‌های مشابه در زندگی برخورد کند و احساسات دیگران را نیز به خوبی درک می‌کند (نورتون، ۱۳۸۲: ۸۹).

۴-۲. مهارت حل مساله

حل مساله نوعی تفکر منظم و منطقی برای حل مشکلات زندگی است. «حل مساله عبارت است از فرایند شناختی- رفتاری که به وسیله فرد هدایت می‌شود و فرد سعی می‌کند با کمک آن راه حل‌های موثر یا سازگارانه‌ای برای مسایل زندگی روزمره خویش پیدا کند» (دوزوریا، ۲۰۰۴: به نقل از البرز، ۱۳۸۶). وقتی فردی با موقعیتی روبرو می‌شود که نمی‌تواند به آن موقعیت سریع پاسخ دهد می‌گوییم با یک مساله روبروست. حل مساله شامل شناسایی مشکل و برگزیدن انتخابی است که ما را به سوی نتیجه مطلوب هدایت می‌کند. «مهارت حل مساله شامل تشخیص مساله، کشف راه حل‌های مختلف، ارزشیابی راه حل و عمل به راه حل‌هاست» (لیپ و بیزلی، به نقل از کاوه، ۱۳۹۱: ۶۰). مهارت حل مساله در رمان‌های اریش کستنر به شکل‌های مختلف دیده می‌شود. شخصیت «لوته» وقتی متوجه می‌شود پدرش می‌خواهد با دوشیزه «گرلاخ» ازدواج کند، به فکر حل این مشکل می‌افتد و

به ملاقات خانم گِراخ می‌رود. «لوته از حالت بهت بیرون می‌آید. حتی در اوج ناامیدی و پریشانی هم حس چاره جویی و تحرک تنه‌ایش نمی‌گذارد. چه باید کرد؟ او به دیدن خانم گِراخ می‌رود و می‌گوید: حق نداری با پدر من ازدواج کنی. دوشیزه گِراخ: چرا اجازه ندارم؟ لوته: برای اینکه اجازه ندارید. دوشیزه گِراخ عصبانی می‌شود و با خود می‌گوید این ازدواج باید سریعتر انجام شود... لوته وقتی می‌بیند عصبانیتش خانم گِراخ را از ازدواج با پدرش منصرف نمی‌کند. مقابل در به دوشیزه گِراخ می‌گوید: خواهش می‌کنم ما را به حال خودمان بگذارید. خواهش می‌کنم. خواهش می‌کنم» (کسترن، ۱۳۹۴: ۸۱). لوته دوست دارد پدر و مادرش دوباره با هم زندگی کنند. برای رسیدن به این خواسته، به دنبال حل مساله است. او تمام تلاشش را برای منصرف کردن خانم گِراخ انجام می‌دهد و سرانجام با بیمار شدن لوته و تب شدید او پدر به این نتیجه می‌رسد که باید از ازدواج با گِراخ منصرف شود. «گِراخ می‌گوید: عجب جانور بدجنسی است، با همه قدرتش می‌جنگد بعد خودش را به بیماری می‌زند...» (همان: ۸۵). لوته خود را به بیماری می‌زند. پدر از این وضعیت ناراحت می‌شود و متوجه می‌شود که لوته بیمار عصبی است و این به دلیل حضور خانم گِراخ است. در رمان «کلاس پرنده» بین دو گروه از بچه‌های مدرسه درگیری به وجود می‌آید. «ماتیاس» برای جبران رفتار گروه مقابل به دنبال کتک کاری و خشونت است. «مارتین دستور داد: تو از جای تکان نمی‌خوری. با کتک کاری، مقصود عملی نمی‌شود. اگر «سراگرلاند» را هم ببری، ماهم نخواهیم دانست که دفترچه‌های دیکته کجا هستند. منتظر باش تا نوبتت برسد» (کسترن، ۱۳۸۴: ۴۸). ماتیاس به جای کتک کاری و خشونت، به دنبال حل مساله است. او با اعمال و رفتارش به مخاطب یاد می‌دهد که برای حل مساله و مشکل می‌توان از راه حل مناسب‌تری سود جست.

فرهاد حسن زاده نیز مانند کستنر در آثار خود به مهارت حل مساله اشاره کرده است. او در رمان «هستی» به این نکته پرداخته است. شخصیت «هستی» برای یادگرفتن جودو نیاز به اجازه بابا دارد. او برای حل این مساله به سراغ مامان می‌رود. «جودو دیگه. مگه نگفتم میخوام برم پیش لیلی یاد بگیرم. مامان گفت: از بابا اجازه گرفتی؟ مامان اذیت نکن! خودت میدونی بابا اجازه نمیده. میگه دخترا باید شطرنج بازی کنن. خندید. ماچش کردم و گفتم: فدات بشم. تازه جودو از همه ورزش‌ها کم خرج تره. هیچی نمیکاد برام بخری. مامان گفت: خب برو. به شرطی که برگشتی دبه‌ها را آب کنی» (حسن‌زاده ۱۳۸۹: ۱۴۸). **هستی** با بیان این نکته که ورزش جودو خرجی برای خانواده ندارد. مامانش را راضی می‌کند که به تمرین جودو برود. او برای رسیدن به هدفش مشکل را حل می‌کند. با پر کردن دبه‌های آب و استفاده از رابطه عاطفی مادرش به خواسته خود می‌رسد. مخاطب کودک و نوجوان نیز می‌تواند با الگو برداری از شخصیت هستی، مسایل و مشکلات خود را برطرف کند. چنین تجربه‌ای که برای کودک با نوعی همذات‌پنداری همراه است، موجب تفهیم بسیاری از مطالب به شکلی غیرمستقیم می‌شود و به او می‌آموزد که بدون کمک بزرگترها هم می‌شود برخی از مسایل را حل کرد. در رمان «زیبا صدایم کن» شخصیت زیبا مساله رفتن به ملاقات پدرش را با تدبیر و هوشیاری حل می‌کند. او برای ورود به تیمارستان نیاز به کارت شناسایی ملی داشت. «گفتم ببین آقا. من پونزده سالمه و چون مار رو جز آدم حساب نمی‌کنن. کارت ملی ندارم. تو خونه‌ای زندگی می‌کنم که آدمای پول دار خرجشو می‌دن و اصلا نمی‌دونم شناسنامه دارم یا نه. از زبان تند و تیزم جا خورد و کمی نرم شد..» (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۴). حل مساله یکی از مهم‌ترین فرایندهای تفکر است که به افراد کمک می‌کند تا مقابله موثری با مشکلات و چالش‌های زندگی داشته باشند. «حل مساله راه مهمی

برای شناخت هر چه بهتر خود، برقراری ارتباط موثر بین فردی، کنترل هیجانات و مدیریت شرایط تنش‌زا و حل کردن مسایل و مشکلات است» (ماروسکا، ۱۳۸۳: ۸۸). نوجوانان از طریق دنیای رمان و همراهی با شخصیت‌ها، می‌توانند مهارت حل مساله را در خویش نهادینه کنند و در آینده تصمیم‌های مهمی برای حل مشکلات بگیرند.

۴-۳. مهارت تفکر خلاق

تفکر خلاق، داشتن ایده‌های نو و مبتکرانه است. در واقع تفکر خلاق «یک مهارت سازنده و پایه برای رسیدن به سایر مهارت‌های مرتبط با سبک اندیشیدن است. در این مهارت افراد یاد می‌گیرند که به شیوه‌های متفاوت بیندیشند و از تجربه‌های متعارف و معمولی خویش فراروند و تبیین‌ها و یا راه‌حل‌هایی را خلق نمایند که خاص خودشان است. تفکر خلاق، فعالیت فکری است که به حل مشکلات و مسایل سخت می‌پردازد و برای مسایل حل نشده، راه‌حل‌های جدید کشف می‌کند» (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۰: ۳۲۴). نویسندگان می‌توانند در قالب داستان یا رمان مهارت تفکر خلاق را به خواننده آموزش دهند. «توانایی تفکر خلاق، مهارتی سازنده و اصولی برای رسیدن به دیگر مهارت‌های مرتبط با اندیشیدن است. در این مهارت، افراد می‌آموزند چگونه به شیوه‌های متفاوت بیندیشند و از تجربه‌های متعارف و معمولی خویش فراتر رفته و راه‌حل‌هایی ویژه را بیافرینند» (شاه احمدی، ۱۳۹۰: ۲۰). شخصیت «امیل» در رمان «امیل و کار آگاهان» برای اینکه دزد متوجه حضور آنها نشود، نقشه و طرح جدیدی پیشنهاد می‌دهد. «باید نقشه را عوض کنیم. حالا که ما نمی‌توانیم این همه بچه را پنهان کنیم، بهتر است بگذاریم او ببیند ما چه کار می‌کنیم. باید هر جا رفت دورش را بگیریم. همه بچه‌ها پذیرفتند، شاید از این راه آقای گرین راضی میشد پیش از

آنکه پلیس مچش را بگیرد، پول‌ها را بدهد.» (کستنر، ۱۳۹۵: ۲۸). خلاقیت امیل برای دستگیری دزد پول‌ها و همراهی گروهی از همسالانش، در حوادثی هیجان‌انگیز، به مخاطب حس مسئولیت‌پذیری و استفاده از خلاقیت در هنگام سختی‌ها و مشکلات را آموزش می‌دهد. خلاقیت شخصیت‌های رمان، در همکاری و تقسیم کار بین خودشان بود. هر کدام مسوول انجام کاری بودند. در رمان «خواهران غریب» خلاقیت لوته و لویزه زمانی آشکار می‌شود که قرار شد به جای هم نقش بازی کنند. به گونه‌ای که پدر و مادرشان متوجه نشوند. «آقای پالفی گفت: تازگی لویزه را دیدم که پشت پیانو نشسته و با علاقه زیادی با آن بازی می‌کند. خیلی با احساس می‌خواند در صورتی که قبلاً دست به پیانو هم نمی‌زد...» (کستنر، ۱۳۹۴: ۶۳).

حسن‌زاده مهارت تفکر خلاق را در کنش و رفتار شخصیت رمان به مخاطب آموزش می‌دهد. هستی شخصیت رمان، برای نجات خانواده اش از جنگ و آتش، فکری به ذهنش می‌رسد. «وقتی فکرم را به مامان گفتم، یک ماچ آبدار از لیم چید و گفت: تو نابغه‌ای! بابا گفت: چیه قربون صدقه هم می‌رین؟ مامان به بابا گفت: مگه تو دست راستت چلاق نشده؟ مگه دست چپ هستی نشکسته؟ بله منظور؟ ذوق زده گفتم: ما دوتا با هم موتور می‌رونیم. موگاز میدوم. شما کلاچ بگیر و دنده عوض کن...» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۴). هستی با فکر خلاق خود، مشکل خانواده را برطرف می‌کند. شخصیت هستی با خلاقیت خود، باعث حل مشکل مهمی شده است. تفکر خلاق به حل مساله و تصمیم‌گیری‌های مناسب کمک می‌کند. «با استفاده از این مهارت، فرد قادر است مسایل را از ورای تجربیات مستقیم خود در یابد و حتی زمانی که مشکلی وجود ندارد و تصمیم‌گیری خاصی مطرح نیست، با سازگاری و انعطاف بیشتری به زندگی پردازد» (کلینکه، ۱۳۸۳: ۵۵). این مساله در رمان «زیبا صدایم

کن» و در رفتار شخصیت زیبا نمایان است. شخصیت زیبا برای کنترل عصبانیت پدر از خلاقیت خود استفاده می کند. «خودمو برایش لوس کردم. گفتم اسم رمز یادت نره. عدس پلو یادت نره... و پشت ستون آلاچیق برایش شکلک در آوردم و مثل بچگی هام دالی موشه کردم. بابا گفت: حرف مفت نزن زیبا... عقب عقب رفتم. گفتم می خوای بزنی؟ گفت: چرا پشت سر من حرف زدی؟ گفتم به جون زیبا حرف نزنم. افتاده بود روی دنده توهم... گفتم بیا بزن. مثل گذشته که کیسه بوکست بودم. به دوستانم کلی پُز دادم می خوام برم پیش بابام. گفتم تولدمه. آروم شد و گفت: عین مادرتی. حقه باز و چرب زبون» (حسن زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۳). زیبا برای کنترل خشم پدر از احساسات خود و گذشته‌ای که داشت (یادآوری کتک خوردنش به وسیله بابا) استفاده می کند تا پدر را آرام کند.

۴-۴. مهارت همدلی

مهارت همدلی، توانایی یک فرد به شکل تجربه است تا دریابد چه تجربه‌ای در یک لحظه معین و در یک چهار چوب مشخص و با توجه به نظر خویش دارد. «همدلی را اولین شرط خود شناسی می‌دانند که فرد خود را به جای دیگری بیند و احساسات وی را تجربه کند» (شفیع آبادی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). همدلی یعنی توانایی درک احساسات دیگران و پاسخ به آن است. «همدلی دو جزء دارد. یکی شناختی و دیگری عاطفی. شناختی عبارت است از: توانایی در شناسایی حالات دیگران و عاطفی نیز توانایی نشان دادن پاسخ عاطفی مناسب است» (امامی، ۱۳۸۳: ۳۴). همدلی دارای مولفه‌های گوناگونی است. مولفه‌هایی چون؛ علاقه به دیگران، ابراز محبت و دوستی، گوش دادن به حرف دیگران، درک احساسات و تحمل افراد (کاوه، ۱۳۹۱: ۱۲۶). در این مهارت، فرد می‌آموزد چگونه احساسات افراد دیگر را در

شرایط گوناگون درک کند، تفاوت‌های فردی را پذیرفته و روابط بین فردی خود را با دیگران بهبود بخشد. مهارت همدلی در رمان‌های کسترن، نمودی قابل توجهی دارد. «ئولی» شخصیت رمان «کلاس پرنده» در گفت و گو با یکی از شخصیت‌های رمان، همدلی خود را نشان می‌دهد. وقتی هم تختی «ئولی» از شبیح می‌ترسد، ئولی به او می‌گوید: «گریه نکن! این‌ها بچه‌های سال ششم هستند و هر سال چند روز قبل از عید این شلوغی را به راه می‌اندازند. پسر بچه در حال گریه گفت: خیلی می‌ترسم. این چه حیوانی (شبیح) است که آخر از همه می‌آید؟ ئولی گفت: این‌ها سه نفر از بچه‌های سال ششم هستند که زیر ملحفه پنهان شدند. پسرک گفت: می‌ترسم. ئولی گفت: عادت می‌کنی. سال اول من هم گریه کردم» (کسترن، ۱۳۸۵: ۹۸). «ئولی» خود را جای پسرک می‌گذارد و با تجربه‌ای که از احساس او دارد، او را آرام می‌کند. نویسنده نوجوان به منظور جذب مخاطب، دنیایی صمیمی خلق می‌کند تا خواننده در طول داستان با شخصیت همراه و همدل شود. (همذات پنداری) نویسندگان به مهارت همدلی نسبت به دیگر مهارت‌ها توجه بیشتری نشان داده‌اند. مخاطب کودک می‌تواند با خواندن یک داستان، چهار چوب ذهنی شخصیت داستان را درک کند که این خود شرط نخست کسب مهارت همدلی است. همچنین یکی از کارکردهای مهم ادبیات کودک، ایجاد روحیه دوستی و تفاهم میان اقوام و ملیت‌های گوناگون است. لوته و لوییزه با هم همدل و صمیمی هستند. شخصیت‌های لوته و لوییزه دو خواهر هستند که به علت جدایی پدر و مادر از هم جدا زندگی می‌کنند. لوییزه با تمام وجود به حرف‌های لوته گوش می‌دهد... «ناگهان دست کوچکی ناشیانه موهایش را نوازش می‌کند. لوته از وحشت خشکش می‌زند. دست لوییزه به نوازش کودکانه خود ادامه می‌دهد» (کسترن، ۱۳۹۴: ۱۶). کم صمیمیت میان دو خواهر بیشتر می‌شود. با هم درد دل می‌کنند. به حرف‌های هم گوش

می دهند.» هر دو گردش کنان به طرف جنگل می روند. توی باغچه می نشینند و لیموناد می - خوردند و درد دل می کنند» (کستتر، ۱۳۹۴: ۲۳). صمیمیت و هم دلی دو خواهر نیز به مخاطب منتقل می شود. یکی از راه های رسیدن به همدلی، درک چهارچوب ذهنی دیگران است. «همرنگی و انطباق چهارچوب ذهنی دو شخص، نقطه عطف یک رابطه موثر و مفید بین آنها بوده و مصداق واقعی تفاهم و توافق و همدلی است» (امامی، ۱۳۸۳: ۶۵). چیزی که بین دو خواهر (لوته و لویزه) اتفاق افتاده و انطباق و همدلی زیادی بین آنها به وجود آورده و مخاطب نوجوان نیز از این همدلی بهره می برد.

مهارت همدلی در داستان های حسن زاده نیز مشاهده می شود. این مهارت صمیمیت میان خواننده و شخصیت ها و حتی نویسنده را افزایش می دهد. علاقه به افراد، درک تفاوت های بین فردی، تحمل افراد، دوست یابی و احترام و اعتماد متقابل، از شاخه های فرعی این مهارت به شمار می روند که در آثار حسن زاده (آثار مورد بررسی) نمود دارند. نمونه مهارت همدلی (علاقه و دوست داشتن) در رمان های «زیبا صد/ایم کن» و «هستی» کاربرد فراوانی دارد. «سرش را پایین آوردم و رو نوک پنجه بلند شدم و محکم ماچش کردم: الهی فدات شم. شما واسه من یک لامپ صد ولتی. روسری ام را جلو کشید و گفت: بی سواد! صد ولت نه صدوات.. بیا بریم این وری... محکم بغلش کرده بودم. باد بوی نان ساندویچی تنش را سر می داد زیر کلاه موتور کیف می کردم. گفت: خب نباتم. دوست داری کجا بریم؟» (حسن زاده، ۱۳۹۴: ۴۹). در رمان «هستی» همدلی و صمیمیت میان هستی و خاله نسرین بیشتر از سایر شخصیت ها دیده می شود. «عین رگبار مسلسل در زدم. خاله در را باز کرد. چه خبرته کولی! پریدم بغلش. مثل روزای بچگی مرا چسبانند به خودش و من پاهایم را جمع کردم و او مرا می چرخاند. خاله به قربونت بره. بی بی داد زد: یواش! بچه رو بیدار

نکنین. ساکت شدیم و خاله یک قدم فاصله گرفت و نگاهم کرد. چه پیر شدی خاله...» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۹). این صمیمیت و یک‌دلی از طریق همذات‌پنداری مخاطب با شخصیت داستان در وجود کودکان و نوجوانان تقویت می‌شود. در بسیاری از موارد کودک یا نوجوان با شخصیت داستان همانندسازی می‌کند و حوادث داستان را با مسایل و حوادث زندگی مقایسه می‌کند. علاقه او به تفکر، هیجان و رفتارهای شخصیت‌های داستان به او امکان می‌دهد که در برخی موارد با تجربه‌های شخصیت، سهیم شود و باورها و تفکرات آن‌ها را به خود نسبت دهد و در این صورت می‌تواند ناآرامی و اغتشاش هیجانی-اش در مقابل مشکلات را بروز دهد. در واقع مخاطب نوجوان از طریق حوادث داستان و ارتباط همدلانه‌ای که میان شخصیت‌های داستان وجود دارد، می‌آموزد که همدلی چگونه در میان افراد رخ می‌دهد و چه تاثیراتی می‌تواند داشته باشد)

۴-۵. مهارت تفکر انتقادی

تفکر انتقادی، تفکری است مستدل و مستند به مدارک و اطلاعاتی موثق که انتظار می‌رود به قضاوتی صحیح منجر شود و استانداردهایی مناسب را برای ارزیابی و تفسیر مسایل پیچیده و بحث برانگیز، به منظور رسیدن به نتیجه عرضه کند (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۱). تفکر انتقادی افراد را در انتخاب راه زندگی خودکفا می‌کند. «تفکر انتقادی به مخاطب داستان‌ها کمک می‌کند تا در تصمیم‌گیری پیرامون امور زندگی و جامعه به صورت دموکراتیک دخالت کند» (نوریس، ۱۹۸۹: ۲۲ به نقل از مکتبی فرد، ۱۳۹۴). تفکر انتقادی در حقیقت «اتخاذ دیدگاه هوشیارانه و با دقت و ظرافت در برابر عقاید و دیدگاه‌های دیگران

است» (کاوه، ۱۳۹۱: ۴۳). در تفکر انتقادی فرد با دقت به تجربه و تحلیل مطالب می‌پردازد و با شواهدی معتبر به دنبال قضاوت و نتیجه‌گیری است.

اریش کستتر در آثارش به تفکر انتقادی توجه نشان داده است. در آثار او کودکان و نوجوانان نیز صاحب تفکر انتقادی هستند. ماتياس و همکلاسی‌هایش با دانش آموزان سال ششم بر سر سالن تمرین درگیر می‌شوند. «ماتياس با عصبانیت گفت: شما هم باید درست مثل ما از مقررات اطاعت کنید! خیال نکنید چون چند سال از ما بزرگتر هستید، هر کار دلتان خواست می‌توانید انجام دهید. اگر مایلید بروید از من به آقای دکتر بوخ شکایت کنید. ولی من اصرار دارم همین الان از سالن تمرین بیرون بروید» (کستتر، ۱۳۸۵: ۲۵). ماتياس مستدل و با استناد به قانون از دانش آموزان سال ششم انتقاد می‌کند. انتقادی که به نظر می‌رسد به قضاوت صحیحی منجر می‌شود. شخصیت‌های رمان کستتر به راحتی می‌توانند انتقاد کنند و مسایل را به چالش بکشانند. «لوتِه و لویزه نزدیک می‌شوند و می‌ایستند. لویزه می‌پرسد: چیزی شده؟ «اشتفی» بی صدا گریه می‌کند و سرش را پایین می‌اندازد و می‌گوید: پدر و مادرم می‌خواهند از هم جدا بشوند. «تروده» بلند می‌گوید: چه بدجنس. اول تو را به تعطیلات می‌فرستند و بعد از هم جدا می‌شوند...» (کستتر، ۱۳۹۴: ۳۰). کودکان از طریق همذات‌پنداری با شخصیت رمان، یاد می‌گیرند که انتقاد کنند و نسبت به برخی مسایل واکنش نشان دهند. «افرادی که منتقدانه می‌اندیشند، توانایی همراهی با دیدگاه‌های مختلف را در خود پرورش می‌دهند و آن دیدگاه را به صورت هوش‌مندانه و به وضوح بیان می‌کنند» (مکتبی فرد، ۱۳۹۴: ۵۴).

در رمان‌های حسن‌زاده نیز شخصیت داستان، به راحتی انتقاد می‌کند و نارضایتی‌اش را از وضع موجود بیان می‌کند. بی‌بی و بابای هستی درباره کمبود شیر خشک باهم کشمکش

دارند. بی بی با زبان انتقاد می گوید: «هست آقا! می خوای مو برم بیرون پیدا کنم؟ ئی بچه از خواب بیدار بشه، چی می خواد بخوره؟ کباب چنجه یا کباب بوقلمون؟ باید هر جور شده پیدا کنی. آخه قربون ئو گیس های سفیدت برم. از کجا؟ خودم بیافرینم؟...» (حسن-زاده، ۱۳۸۹: ۶۸). انتقاد بی بی مستند و با استدلال است. بچه نیاز به شیر خشک دارد. او عقیده دارد اگر پدر هستی تلاش کند پیدا می کند. بی بی در ادامه برای اثبات حرفش به پدر می گوید: «برو بیمارستان شیر و خورشید. پیش طلعت. اونا دارن. پیش طلعت؟ اوف اوف اسم طلعت رو نیار که عقم می گیره. باهش قهرم. بی بی گفت: قهرم که باشی باید آشتی کنی به خاطر بچه ات..» (حسن زاده: ۶۹). نکته قابل توجه این است که شخصیت کودک در رمان های حسن زاده کمتر انتقاد می کند و این بزرگترها هستند که انتقاد می کنند. در حالی که مهارت تفکر انتقادی نقش مهم و سازنده ای در زندگی کودک ایفا می کند. مایرز معتقد است که «آنچه موجب شکل گیری تفکر انتقادی در افراد می شود، فرایند اصلاح ساختارهای فکری پیشین و ایجاد ساختارهای جدید است به نحوی که آموزش تفکر انتقادی را شامل شود» (مایرز، ۱۳۷۴: ۲۱).

در رمان «زیبا صدایم کن» هم شخصیت زیبا کمتر انتقاد می کند. پدر زیبا بیشتر انتقاد می کند تا زیبا. « ترسیدم. عقب عقب رفتم. گفتم تو که خوب شدی؟ گفت: من خوبم. این شماین که مریضین و جنستون خرده شیشه داره. فکر کردم لیاقتشو داری. تو منو بازی دادی بچه. از این ور با من اومدی عشق و حال از اون ور زنگ می زنی ضد حال. گفتم به جون زیبا من نگفتم. صداش رو کوبید تو سرم و گفت: حرف نباشه» (حسن زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۴). پدر زیبا با توجه به آنچه از رفتار زیبا مشاهده کرده، شروع به انتقاد می کند. پدر که

از تیمارستان فرار کرده و برای تولد زیبا برنامه ریزی کرده، حالا به وسیله زیبا نقشه‌هایش نقش به هم می‌ریزد.

۴-۶. مهارت خودآگاهی

خودآگاهی یعنی آگاهی یافتن و شناخت اجزای وجود خود، شناخت اجزایی همچون خصوصیات ظاهری، احساسات، افکار، باورها، ارزش‌ها و اهداف و نقاط قوت و ضعف خویش است (ر.ک نیک نژاد، ۱۳۸۵: ۶۷). مهارت خودآگاهی نقش مهمی در شناخت خویشتن مخاطب دارد. شخصیت‌های رمان کسترن، با شناختی که از خود دارند، سعی می‌کنند نقاط ضعف و قوت خویش را شناسایی و گاهی بدون ترس به ضعف‌های خود اشاره کنند. شخصیت «سباستیان» درباره ویژگی‌ها و نقاط ضعف خود می‌گوید: «شما فکر کرده‌اید من شجاع هستم؟ هیچ می‌دانید که من ترسو هستم؟ نه هرگز شما نمی‌دانستید. من محرمانه به شما می‌گویم که من ترسو هستم. اما آدم زرنگی هستم که نداشتم شما بویی ببرید. از ترسو بودنم هم ناراحت نیستم و خجالت نمی‌کشم. میدانم که هرکس نقطه ضعفی دارد...» (کسترن، ۱۳۸۵: ۱۲۶). «سباستیان» بدون ترسو اعلام می‌کند که آدم ترسویی است، اما به کسی هم اجازه نمی‌دهد که ترسو بودنش را مسخره کند، چون اعتقاد دارد هر انسانی نقطه ضعفی دارد. «اما به هر حال هیچ کس جرات ندارد شجاعت مرا مسخره کند، چون در غیر این صورت مجبورم برای حفظ شخصیت خود، سیلی جانانه‌ای به او بزنم...» (همان، ۱۲۷). تفاوت شخصیت‌های رمان، به مخاطب نوعی آگاهی و خودشناسی می‌دهد. اینکه افراد گاهی در عین نزدیک بودن به هم، تفاوت‌های زیادی با هم دارند. «تفاوت‌ها به ما فرصت می‌دهند که بفهمیم با چه مهارت‌هایی آشنا نیستیم و باید به دنبال

کسب آنها باشیم. توجه به تفاوت‌های فرد و پذیرش آنها، یکی از اصول مهم برای رسیدن به خود آگاهی است» (رئوفی، ۱۳۷۷: ۸۸).

شخصیت‌های رمان‌های حسن‌زاده با شناختی که از خود و ویژگی‌هایشان دارند، اطلاعات زیادی درباره کودکی و مسایل زندگی در اختیار مخاطبان خود می‌دهند. «از ژيگول بازی و لاک زدن خوشم نمی‌آید. من عاشق ژیمناستیک و فوتبال بودم.. توی اتاق و حیاط و باشگاه پشتک می‌زدم. می‌توانستم بیست تا روپایی بزنم. شوت‌هایم سنگین و برزیلی بود. ولی بابا این کارها را دوست نداشت...» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۷). هستی به خوبی نیازها، خواسته‌ها و احساسات خود را می‌شناسد و با بروز دادن آنها به مخاطب یاد می‌دهد که به آنچه می‌خواهد می‌تواند برسد به شرطی که نیازها و خواسته‌هایش را بشناسد. شخصیت زیبا در رمان «زیبا صد/یم کن» نیز شناخت نسبتاً خوبی از خود و نیازهایش دارد. «کنار بانک کارواش بود. کنار کارواش گل فروشی پامچال. از پامچال خوشم نمی‌آید. یادم به مچاله شدن زیر پا می‌افتد... داماد شیک و پیک از ماشین پیاده شد و رفت جلو گل فروشی. از گل کاری ماشین بدم می‌آید. یعنی چی یه باغچه گل به ماشینت بچسبانی و بوق بوق راه بیفتی تو خیابان‌ها. من دلم می‌خواست ماشین عروسم فقط تور بادکنک داشته باشد...» (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۰). شخصیت‌های «زیبا» و «هستی» تصویری واقعی از خود برای مخاطب ارائه می‌دهند. دخترانی که همواره با مسایل و مشکلات مختلفی در زندگی مواجه هستند. آنها هر بار با اعتماد به نفس و شناخت نقاط قوت و ویژگی‌های شناختی خود، با مشکلات مقابله می‌کنند. این مقابله در قالب همذات پنداری به مخاطب نیز القا می‌شود. خودآگاهی، عزت نفس و اعتماد به نفس، از شاخص‌های اساسی توانمندی‌ها و یا ضعف هر انسانی به شمار می‌رود. این سه ویژگی، فرد را قادر می‌سازد فرصت‌های زندگی خود را

مغتنم شمرده و برای مقابله با خطرهای احتمالی آماده شود، وی یاد می‌گیرد به خانواده و جامعه بیندیشد، نگران مشکلاتی باشد که در اطرافش وجود دارد و برای حل آنها چاره اندیشی کند (ر.ک سیف، ۱۳۸۵: ۷۷).

۴-۷. مهارت‌های فردی

مهارت‌های فردی، مهارت‌هایی نظیر، کنترل خشم، توانایی برقراری ارتباط با دیگران، جرات مندی، کنترل استرس و... است. «مهارت‌های بین فردی، مهارت‌هایی هستند که با هدف ایجاد و حفظ روابط بین افراد و تعامل مثبت با دیگران به ویژه اعضای خانواده در زندگی روزمره به کار گرفته می‌شود. همکاری و مشارکت، اعتماد به گروه، تشخیص مرزهای بین فردی مناسب، دوست‌یابی، شروع و خاتمه ارتباطات، مسئولیت‌پذیری در روابط متقابل و اجتماعی و تعامل و انتقاد، زیر مجموعه‌های این مهارت هستند» (طارمیان، ۱۳۸۰: ۷۸).

مخاطب کودک و نوجوان از طریق داستان، می‌تواند مهارت‌های فردی خود را شناسایی و آنها را تقویت نمایند. «لوته» شخصیت رمان «خواهران غریب» با مهارت فردی که دارد، پدرش را قانع می‌کند که حساب و خرج خانه را به او واگذار کند. «لوته توانسته پدرش را قانع کند که خرج خانه را به جای زری به او بدهد. کمی مسخره است که زری از یک دختر نه ساله که با قیافه جدی پشت میز تحریر نشسته و مشغول نوشتن تکالیف مدرسه است، پول بگیرد.... لوته هم بلافاصله مخارج را حساب می‌کند، از کشوی میز پول در می‌آورد و به زری می‌دهد و بعد مبلغ را در دفترچه اش یادداشت می‌کند» (کسترن، ۱۳۹۴: ۶۳).

نمونه بارز مهارت‌های فردی در رمان «خواهران غریب» به وسیله «لوته» و «لویزه» شخصیت‌های اصلی رمان، دیده می‌شود. جایی که آنها برای جلوگیری از جدایی پدر و مادر با

مهارت‌های فردی که دارند، آنها را منصرف می‌کنند. مخاطبان کودک و نوجوان با برقراری ارتباط صمیمی با شخصیت‌ها، می‌توانند مهارت‌های فردی خود را تقویت کنند و بیاموزند که در شرایط بحرانی و دشوار زندگی چگونه از مهارت‌های خود استفاده کنند.

مهارت‌های فردی در رمان‌های حسن‌زاده (بررسی شده در این پژوهش) نمود و کاربرد بیشتری نسبت به رمان‌های کسندر دارد. دو شخصیت نوجوان «هستی» و «زیبا» آنقدر توانمند هستند که می‌توانند مشکلات را مدیریت کنند. برای مثال شخصیت زیبا برای ملاقات با پدر خود (پدری که از تیمارستان فرار کرده) از خلاقیت و مهارت‌های فردی خود استفاده می‌کند. «خودم را طناب پیچ کرده بودم. شب بعد از تلفن بابا رفتم بالای پشت بام خوابگاه و بند رخت را باز کردم. مسابقه فوتبال بود هیچ کس حواسش نبود. خانم رستمی هم رفته بود اتاق مدد کاری... صبح زود رفتم دستشویی و خودم را مثل قرقره طناب پیچ کردم و روی طناب‌ها گشادترین مانتو را پوشیدم...» (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۸). شخصیت زیبا همیشه با مهارت فردی خود رفتار پدرش را کنترل و او را آرام می‌کند. هستی دیگر شخصیت نوجوان رمان‌های حسن‌زاده با مهارت فردی که دارد خانواده را نجات می‌دهد. «چشم‌های بابا از تعجب گشاد شده بود. پرسید: یعنی می‌تونی؟ گفتم: معلومه که می‌تونم. دایی یادم داده. از خوشحالی دست چپش رو بالا برد. من هم دست راستم را بالا بردم. بابا گفت: ای ول دم دایی جمشیدت تنور گرم! ماما گفت: هستی یه بار دیگه فرشته نجاتمون شد» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۵). هستی مهارت‌هایی زیادی دارد. رانندگی، جودو، فوتبال و... همین مهارت و توانایی‌هایش باعث شد که از میدان جنگ جان سالم به در ببرند. مخاطبان نوجوان دختر با دیدن واکنش‌های هستی و توانایی‌های او به خودباوری می‌رسند و می‌توانند در شرایط بحرانی به کمک خانواده خود بیایند. «داستان، برای کودک و نوجوان در حکم بخشی از

واقعیت است که می‌توان بر آن تکیه کرد و شاید برای همین است که دریافت صحیح داستان و شنیدن دوباره‌ی آن اهمیت دارد» (فیشر، ۱۳۸۶: ۱۳۷). شخصیت هستی با شناختی که از خود و مهارت‌هایش دارد می‌تواند در مواقع بحرانی، مشکلات را برطرف نماید. این شناخت به مخاطب هم منتقل می‌شود. هر چه شخص خود را بهتر بشناسد، بهتر می‌تواند آنچه را که هست، بپذیرد یا تغییر دهد. زمانی که شناختی واقعی از خود نداشته باشد، خود را به دست اطرافیان خواهد سپرد. در نتیجه، این نیروهای بیرونی شخصیت او را شکل می‌دهند. از طرفی در صورتی که شخصیت، بر اساس نیروهای بیرونی شکل گرفته باشد، بسیار شکننده و در حال تغییر خواهد بود. در این شرایط، شخص در کشمکش‌های درون خویش باقی خواهد ماند. «رشد خودآگاهی و شناخت مهارت‌ها به فرد کمک می‌کند تا دریابد که تحت استرس قرار دارد یا نه. از این رو، خودآگاهی پیش شرطی ضروری برای روابط اجتماعی و بین فردی مؤثر و همدلانه است. شناخت خود و آگاهی از مفهوم درونی و ذهنی خویش به عنوان یک شخص، می‌تواند فرد را در رویارویی با مشکلات و مسائل زندگی یاری دهد» (فینکه، ۱۳۸۱: ۹۸).

۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش به بررسی بسامد کاربرد هر یک از مهارت‌های زندگی در آثار دو نویسنده پرداخته شد. برای این کار نویسنده تعداد مهارت‌های به کار رفته در رمان‌های نویسندگان را محاسبه و به صورت جدول‌های جداگانه ارائه کرده است.

آثار	هم دلی	خودآگاهی	تفکر انتقادی	تفکر خلاق	حل مساله	تصمیم گیری	مهارت فردی	فراوانی
کلاس پرنده	۹	۳	۵	۴	۴	۵	۶	۳۷
خواهر ان غریب	۱۵	۵	۶	۲	۴	۴	۶	۴۲

آثار	همدلی	خودآگاهی	تفکر	تفکر	حل	تصمیم	مهارت	فراوا
------	-------	----------	------	------	----	-------	-------	-------

جدو

ل

شماره

۱

بسامد

کاربر

د

مهارت‌های زندگی در رمان‌های کستر

نی	فردی	گیری	مساله	خلاق	انتقادی	هی	ی	
۴۷	۶	۷	۳	۴	۶	۶	۱۴	هستی
۵۳	۶	۶	۵	۷	۵	۸	۱۶	زیبا صدای م کن

جدول شماره ۲ بسامد کاربرد مهارت‌های زندگی در رمان‌های حسن زاده

با توجه به جدول‌های فوق، مهارت‌های زندگی در رمان‌های حسن‌زاده کاربرد و نمود بیشتری دارد. در میان رمان‌های حسن زاده، رمان، «زیبا صدایم کن» مهارت‌های زندگی بسامد بیشتری دارد. مهارت همدلی در رمان‌های دو نویسنده کاربرد و نمود بیشتری نسبت به دیگر مهارت‌ها دارد. مهارت‌هایی نظیر تفکر انتقادی، تفکر خلاق و حل مساله، بسامد کمتری دارند که در آثار کسترن نسبت به رمان‌های حسن زاده این بسامد کمتر است. اگر چه استفاده از مهارت همدلی باعث افزایش همدلی و صمیمیت میان شخصیت داستان و خواننده می‌شود و این صمیمیت به خانواده و اجتماع هم سرایت می‌کند؛ اما باید توجه داشت که مهارت‌هایی نظیر؛ حل مساله، تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی نیز مهم و ضروری هستند و کودک و نوجوان برای زندگی و مقابله با مشکلات به این مهارت‌ها نیز نیاز دارند. اگر نویسندگان به این مهارت‌ها هم توجه نشان دهند، کودک می‌تواند بدون دخالت دیگران و از طریق دنیای رمان و داستان، به تقویت مهارت‌هایی چون؛ تفکر انتقادی و حل مساله بپردازد. «تفکر، زبان ذهن است و تفکر انتقادی، به انسان امکان تجزیه و تحلیل، استنباط،

ارزیابی و نتیجه‌گیری را مقدور می‌سازد. با استفاده از تفکر انتقادی، امکان تصمیم‌گیری مستدل فراهم می‌شود. کودکان از هفت سالگی، به مقایسه تجربه‌های خود با یافته‌های جدید می‌پردازند» (قیاسی، ۱۳۹۰: ۵).

۶. نتیجه

با بررسی مهارت‌های زندگی در آثار دو نویسنده نتایج زیر بدست آمد. از میان مهارت‌های زندگی، مهارت همدلی بیشتر کاربرد و بسامد را به خود اختصاص داد. مهارت‌هایی نظیر؛ تفکر انتقادی، تفکر خلاق و حل مساله بسامد کمتری داشته‌اند. درحالی که به نظر می‌رسد مهارت‌های ذکر شده برای زندگی کودکان و نوجوانان اهمیت زیادی دارند. مهارت‌های زندگی در آثار فرهاد حسن‌زاده (مورد بررسی) نسبت به آثار اریش کسترن، بسامد و کاربرد بیشتر داشته‌اند. نکته دیگر اینکه در آثار کسترن و در مولفه تفکر انتقادی، شخصیت‌های کودک و نوجوانان نیز از این مهارت استفاده می‌کردند، درحالی که در آثار حسن‌زاده، شخصیت‌های بزرگسال، بیشتر از این مولفه استفاده کرده‌اند. از میان رمان‌های بررسی شده، در رمان‌های «زیبا صدایم کن» و «خواهران غریب» بیشتر از دیگر آثار از مهارت حل مساله و همدلی استفاده شده بود. با توجه به اینکه شخصیت اصلی این رمان‌ها، دختر و پدر هستند، مخاطب به خوبی می‌تواند در قالب، همذات‌پنداری، مهارت‌های زندگی را بیاموزد. در رمان «هستی» اثر فرهاد حسن‌زاده، مهارت همدلی بسامد بسیار بالایی نسبت به دیگر آثار دارد. هستی دختر نوجوانانی است که ارتباط و همدلی زیادی با دایی جمشید دارد و این مساله برای مخاطب مهم و قابل توجه است.

نکته قابل توجه دیگر اینکه اگر چه کاربرد مهارت همدلی در داستان و رمان باعث ایجاد صمیمیت میان مخاطب و شخصیت می‌شود و این صمیمیت و همدلی می‌تواند در میان خانواده و جامعه امروز نیز وارد شود، اما باید توجه داشت که توجه به مهارت‌هایی چون، تفکر انتقادی، تفکر خلاق و حل مساله نیز مهم و ضروری است که در این آثار بسامد کمی داشته‌اند. نویسندگان آثار نوجوان به دلیل حساسیت سنی این گروه، می‌توانند مهارت‌های مهم و کاربردی زندگی را در داستان‌ها و رمان‌ها انعکاس دهند و آنها را با این مهارت‌ها آشنا کنند. توجه به مهارت‌هایی نظیر تفکر انتقادی، تفکر خلاق و حل مساله در دنیای رمان، می‌تواند راهکار مناسبی برای نوجوانان در مقابله با مشکلات دوره نوجوانی باشد.

۷ منابع

البرز، فریبا (۱۳۸۶) اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر اساس برنامه سازمان بهداشت جهانی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

امامی، نسرين (۱۳۸۳) مهارت‌های زندگی، تهران، نشر سازمان بهزیستی.

بهرامی، فرزانه، آمنه، معاضدیان، سید علی، حسینی، (۱۳۹۲) «اثر بخشی آموزش مهارت حل مساله و تصمیم‌گیری بر کاهش نگرش مثبت وابستگان به مواد افیونی»، مجله اعتیاد پژوهی، دوره ۷، شماره ۲۵. صص ۵۷-۷۲.

حسن زاده، فرهاد (۱۳۹۴) زیبا صدایم کن، تهران. نشر کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

حسن زاده، فرهاد (۱۳۸۹) هستی، تهران: نشر کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۲) معصومیت و تجربه، در آمدی بر فلسفه ادبیات کودک، تهران، نشر مرکز.

رئوفی، محمدحسین (۱۳۷۷) مدیریت رفتار کلاسی، مشهد، به نشر.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۵) روان‌شناسی پرورشی، تهران: نشر آگاه.

شاه احمدی، محمدرضا (۱۳۹۰) «ضرورت و نقش آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان در رسانه» فصل‌نامه کودک، نوجوان و رسانه، سال ۱. شماره ۲. صص ۱۵-۲۲.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۵) فعالیت‌های گروهی و اجتماعی، تهران، نشر منادی تربیت.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۰) ادبیات کودکان، تهران. نشر موسسه اطلاعات.

شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۸۵) نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران، نشر مرکز دانشگاهی.

صفایی، علی، حسین ادهمی (۱۳۹۳) «نمود تکنیک‌های طنز در پیرنگ داستان‌های حسن‌زاده» مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۲، صص ۱۱۹-۱۶۶.

طارمیان، فرهاد (۱۳۸۳) مهارت‌های زندگی. تهران. انتشارات تربیت.

فیشر، رابرت (۱۳۸۵) آموزش و تفکر، ترجمه فروغ کیان زاده، اهواز، رسش.

فیشر، رابرت (۱۳۸۶) آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم، اهواز: رسش.

فینکه، رگینا (۱۳۸۱) تربیت جنسی کودکان، آشنایی با مراحل رشد جنسی کودکان، ترجمه لیلا لفظی. تهران: ذکر.

قیاسی، میترا (۱۳۹۰) «تفکر انتقادی، کودک و رسانه»، فصل‌نامه علمی - تخصصی کودک،
نوجوان و رسانه

سال اول، شماره ۱ - ۲، تابستان و پاییز صفحات ۵۵ - ۷۹.

کاوه، ذبیح‌اله (۱۳۹۱) تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر رضایت و سازگاری زنان متأهل.
پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

کسترن، اریش (۱۳۸۵) کلاس پرنده، ترجمه علی پاک بین، تهران: نشر کانون پرورش فکری
کودک و نوجوان.

کسترن، اریش (۱۳۹۴) خواهران غریب، ترجمه علی پاک بین، تهران، نشر کانون پرورش
فکری کودک و نوجوان.

کلینکه، ال کریس (۱۳۸۳) مهارت‌های زندگی، ترجمه شهرام محمدخانی، تهران، سپند هنر.
کوکبی، مرتضی، عباس حری، رویا مکتبی فرد (۱۳۸۹) «بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در
داستان‌های کودک و نوجوان» مجله مطالعات ادبیات کودک شیراز، سال اول، شماره دوم،
صص ۱۵۷-۱۹۳.

گلشیری، احمد (۱۳۸۰) داستان و نقد داستان، جلد اول. تهران. نشر نگاه.

ماروسکا، دان (۱۳۸۳) چگونه تصمیم‌های بزرگ بگیریم، ترجمه رضا افتخاری، مشهد،
بامشاد.

مایرز، چت (۱۳۷۴) آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت.

مکتبی فرد، لیلا (۱۳۹۴) کودک داستان و تفکر انتقادی، تهران، نشر کانون پرورش فکری
کودک و نوجوان.

مک کی، رابرت، (۱۳۸۲) داستان، ساختار، سبک و اصول فیلم نامه نویسی، ترجمه محمد گذرآبادی، تهران، هرمس.

نورتون دانا؛ نورتون، ساندر (۱۳۸۲) شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک. ترجمه منصوره راعی (ودیگران). تهران: قلمرو، ۲ج
نیک نژاد، سهیلا (۱۳۸۵) آموزش جهانی مهارت‌های زندگی، مجله رشد، سال پنجم.